

تقی شہرام :

تراریدی یا حماسہ؟

تقی شہرام کی زندگی کا سفر ایک ایسا سفر ہے جس میں وہ ہمیشہ اپنے لیے نیا نیا چیلنج ڈھونڈتے رہے۔ ان کی زندگی میں ترارید اور حماسہ کا ایک عجیب سا تعلق ہے۔ ان کی تخلیقی صلاحیتوں نے ان کو ایک منفرد اور دلچسپ شخصیت بنا دیا ہے۔ ان کی زندگی میں ہر لمحہ ایک نیا ہیرو کی کہانی لکھنے کا موقع ملتا ہے۔ ان کی زندگی کا ہر لمحہ ایک نیا ہیرو کی کہانی لکھنے کا موقع ملتا ہے۔



تقی شہرام درویش آباد میں

تقی شہرام کیسٹ :

تقی شہرام کی زندگی کا سفر ایک ایسا سفر ہے جس میں وہ ہمیشہ اپنے لیے نیا نیا چیلنج ڈھونڈتے رہے۔ ان کی زندگی میں ترارید اور حماسہ کا ایک عجیب سا تعلق ہے۔ ان کی تخلیقی صلاحیتوں نے ان کو ایک منفرد اور دلچسپ شخصیت بنا دیا ہے۔ ان کی زندگی میں ہر لمحہ ایک نیا ہیرو کی کہانی لکھنے کا موقع ملتا ہے۔ ان کی زندگی کا ہر لمحہ ایک نیا ہیرو کی کہانی لکھنے کا موقع ملتا ہے۔

در این میان، هر چه که در این باره می‌تواند به دست آید، باید در اختیار کارگران قرار گیرد. این امر، علاوه بر این که به تقویت روحیه مبارزه و اتحاد بین کارگران می‌انجامد، بلکه به افزایش آگاهی و درک آنها از شرایط واقعی زندگی و جایگاه خود در جامعه نیز منتهی می‌گردد. بنابراین، هر یک از این روش‌ها، باید به گونه‌ای طراحی و اجرا شود که بتواند به این اهداف اساسی دست یابد.

از سوی دیگر، نباید فراموش کرد که هر یک از این روش‌ها، باید به گونه‌ای اجرا شود که بتواند به تقویت روحیه مبارزه و اتحاد بین کارگران منتهی شود. این امر، علاوه بر این که به تقویت روحیه مبارزه و اتحاد بین کارگران می‌انجامد، بلکه به افزایش آگاهی و درک آنها از شرایط واقعی زندگی و جایگاه خود در جامعه نیز منتهی می‌گردد. بنابراین، هر یک از این روش‌ها، باید به گونه‌ای طراحی و اجرا شود که بتواند به این اهداف اساسی دست یابد.

در نهایت، باید به این نکته توجه داشت که هر یک از این روش‌ها، باید به گونه‌ای اجرا شود که بتواند به تقویت روحیه مبارزه و اتحاد بین کارگران منتهی شود. این امر، علاوه بر این که به تقویت روحیه مبارزه و اتحاد بین کارگران می‌انجامد، بلکه به افزایش آگاهی و درک آنها از شرایط واقعی زندگی و جایگاه خود در جامعه نیز منتهی می‌گردد. بنابراین، هر یک از این روش‌ها، باید به گونه‌ای طراحی و اجرا شود که بتواند به این اهداف اساسی دست یابد.

در این میان، هر چه که در این باره می‌تواند به دست آید، باید در اختیار کارگران قرار گیرد. این امر، علاوه بر این که به تقویت روحیه مبارزه و اتحاد بین کارگران می‌انجامد، بلکه به افزایش آگاهی و درک آنها از شرایط واقعی زندگی و جایگاه خود در جامعه نیز منتهی می‌گردد. بنابراین، هر یک از این روش‌ها، باید به گونه‌ای طراحی و اجرا شود که بتواند به این اهداف اساسی دست یابد.

از سوی دیگر، نباید فراموش کرد که هر یک از این روش‌ها، باید به گونه‌ای اجرا شود که بتواند به تقویت روحیه مبارزه و اتحاد بین کارگران منتهی شود. این امر، علاوه بر این که به تقویت روحیه مبارزه و اتحاد بین کارگران می‌انجامد، بلکه به افزایش آگاهی و درک آنها از شرایط واقعی زندگی و جایگاه خود در جامعه نیز منتهی می‌گردد. بنابراین، هر یک از این روش‌ها، باید به گونه‌ای طراحی و اجرا شود که بتواند به این اهداف اساسی دست یابد.

در نهایت، باید به این نکته توجه داشت که هر یک از این روش‌ها، باید به گونه‌ای اجرا شود که بتواند به تقویت روحیه مبارزه و اتحاد بین کارگران منتهی شود. این امر، علاوه بر این که به تقویت روحیه مبارزه و اتحاد بین کارگران می‌انجامد، بلکه به افزایش آگاهی و درک آنها از شرایط واقعی زندگی و جایگاه خود در جامعه نیز منتهی می‌گردد. بنابراین، هر یک از این روش‌ها، باید به گونه‌ای طراحی و اجرا شود که بتواند به این اهداف اساسی دست یابد.

سازمان بهنگار در راه آزادی طبقه کارگر

ضمیمه



نبرد

گروه نبرد برای رهایی طبقه کارگر

”من يك تقی از دست داده ام
اما
صدها و هزارها تقی بجای او دارم“

از مادر رفیق شهید محمد تقی شهرام
در سهرگاه دوم مرداد ماه ۵۹

ضمیمه نبرد شماره ۱۵ بهاء ۵۹ ریال

”من خود را جز خادم و خدمتگذار
نا چیز خلق و انقلاب نمیدانم“
رفیق شهید تقی شهرام

رفیق محمد تقی شهرام وزیگزا گهای نیروهای جنبش کمونیستی

پرنسیپ حکایت داشت و از آنجا که این موضعگیر-
یها و سیاستهای حاکم بر آن و نیز تغییرات و
تحولاتی که در استمرار زمان و در فراز و نشیب حیات
جنبش انقلابی مان در آنها رخ نموده تنها پ-
مسئله دفاع و یا انتقاد به شخص رفیق شه-
ر ام اختصاص نداشتند و به هر حال موضوعی جنبشی و
مربوط به چگونگی سمت گیریها و اتخاذ مواضع
نیروهای یاد شده در قبال رخداد های درون جنبش
انقلابی ایران است . ما سکوت در بررسی آنها
را جایز ندانسته و حداقل تذکراتی را در پیرامون
آنها ضروری می یابیم .

یکسال و اندی پیش از این بود که رفیق انقلابی
ما و یکی از چهره های بارز جنبش ضد امپریالیستی-
مان ”محمد تقی شهرام“ توسط دو خیمان رژیم
جمهوری اسلامی بر راستای سیاستهای ضد کمونیستی
و فاشیستی این جمهوری به اسارت کشیده شد .
سکوت محض بسیاری از نیروهای م - ل در قبال
دستگیری رفیق و نیز اعلامیه ها و تراکت های که در
آن روزها توسط برخی نیروهای انقلابی میهن مان
و در رابطه با اسارت او انتشار یافت صرف نظر از
مواردی معدود و استثنائی که بعدا بدان خواهیم
پرداخت عمدتا از ”جزئی گیریها“ راست روی-
التقاطها و موقعیت جوئی های غیر اصولی و بسدون

← ۱۱۹

گرامی باد خاطره رفیق شهید تقی شهرام!

در روزهای آغاز اسارت رفیق بسیاری از نیروهای م - ل نه تنها به دفاع از وی اهتمام نکردند که مشخصا با سکوت خوش و حتی در موضعگیری های شفاهی شان دستگیری او را تأیید کردند و بر آن بودند که باید به مجازات و کیفر رسد . این نیروها با دیدی کاملا سازشکارانه و اپورتونیستی به واقعه اسارت رفیق نگریستند و به اظهار نظری پیرامون آن دست نزدند . این سکوت محض مشخصا نشانگر آن بود که آنان حتی رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی را در محاکمه و مجازات رفیق ذیصلاح تشخیص میدهند . گروههایی مانند اتحادیه کمونیستهای ایران و بسیاری از گروههایی که امروز در " وحدت انقلابی " متشکل هستند ، برخی از محافظان و جریانهایی که به " رزمندگان آزادی طبقه کارگر " پیوسته اند از این دسته بودند .

" رزمندگان آزادی طبقه کارگر " در همین حال که دستگیری رفیق را توسط نیروهای ازتجاع محکوم کرد اما در همان اعلامیه و تنها اعلامیه منتشره خود در آن ایام باندازهای انحرافات و اشتباهات وی را عمده کرد که جای چندانی برای تجلی و ابراز پراتیک ممتد مبارزه ضد امپریالیستی اش ، سوابق درخشان مبارزاتی اش ، واقعیت انقلابی وی و بالاخره درخشش چهره بارز و پر - جسته انقلابی او در عرصه مبارزات دموکراتیک و ضد سرمایه داری وابسته باقی نگذاشت . این رقفا پس از انتشار تنها اعلامیه ای که متضمن مواضع و نظرگاههای یاد شده بود تا این اواخر سیاست سکوت را در مقابل ادامه اسارت او توسط ارتجاع پیش گرفتند . نه افشاگری مشخصی در این رابطه کردند و نه بطور عملی گامی در این جهت برداشتند . آنان حتی هیچ تماسی با کمیته ای که با هدف " پشتیبانی از زندانیان انقلابی و مبارز " تشکیل شده بود و کار دفاع از این رفیق انقلابی را نیز در دستور قرار داده بود برقرار نکردند .

از سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر از همان بدو دستگیری رفیق ، سیاستهای فاشیستی ارتجاع را محکوم کرد . از آن زمان بیعد اعلامیه -

هایی در زمینه جانبداری از وی و انشاء توطئه های خائفانه جمهوری اسلامی انتشار داد . فراتر از این وارد پارامی فعالیت های عملی نیز در جهت فراهم ساختن زمینه های حمایت از او گردید . مع الوصف این سازمان نیز در این گذراهمال کاری و پاسیفیسم غیر قابل انکاری را از خود نشان داد . بنظر ما این اهمال کاری و پاسیفیسم بطور مشخص در دفاع یکجانبه از موقعیت سازمانی و نه موقعیت جنبش کمونیستی و انقلابی ریشه داشت . رهبری این سازمان در ادامه همان برخورد های توأم با یکجانبه گری و دیدن ضعفها و ندیدن نقاط قوت که پیش از این در دیدگاه خود و از جمله نسبت به رفیق شهرام داشت ، علیرغم کوششهایی که برای دفاع از رفیق بعمل آورد موفق به اجرای سیاستی مؤثر نگردید .

رفقا حتی از اطلاق کلمه رفیق در مورد " شهرام " خودداری کردند و برای تبرئه سازمان خود حتی به دلجویی و استمالت از نیروهای خرده بورژوازی پرداختند (توجه کنید به کوتاه آمدن بی جای این رفقا روی انتخاب اسم دانشگاه صنعتی به نام شریف واقفی) و در همین رهگذر اشتباهات شهرام را عمده و عمده تر کردند و اینهم در همین حال در چهارچوب همان سیاست دفاع از سازمان و نه جنبش کمونیستی قابل تحلیل و تفسیر می بود .

گروه ما علیرغم اینکه مدعی اتخاذ سیاستهای مؤثر در دفاع از رفیق شهرام نیست و علیرغم اینکه انتقاداتی را در این بستر بر خود وارد میداند بر آن است که حد اقل مواضعی اصولی و سیاستی واقع بینانه در قبال او اتخاذ نموده است . در روزهای دستگیری رفیق ، در میان تماسی نیروهای جنبش کمونیستی ما تنها نیرویی بودیم که او را رفیق خواندیم ، پراتیک و بار مبارزاتی اش را ستودیم ، نقش مؤثر و تعیین کننده اش را در تحولات ایدئولوژیکی سازمان تذکر دادیم ، آشتی ناپذیری و مبارزات دموکراتیک و ضد سرمایه داری وابسته او را بحق ستودیم و ... و در همان حال انحرافات و اشتباهات همیق او را نیز مطرح ساختیم و

نابودباد رژیم سرمایه داری وابسته

حمایتی از او ننمود و هنوز او را "رفیق" خطاب نمی نماید، بلکه مسئله اساسی بر سر اینست که از آنجائیکه رفیق یا غیر رفیق خواندن رفیق شهرام و هر فرد دیگری بمعنای آنست که او را در زمره جنبش کمونیستی میدانیم یا نه؟ و از آنجائیکه شهرام بعنوان فردی که صرف نظر از ضعفهای فردیش که تعیین کننده نبود، مجموعه نظرات و عملکردهایش در ارتباط با سطح تکامل جنبش کمونیستی بود، بنا بر این تمام نیروهای جنبش کمونیستی با استثنای گروه ما (رجوع کنید به کتاب "گفتگو" منتشره در تیرماه ۵۸) در برخورد به ضعفهای درونی خود در این مورد بخطا رفتند.

رفقای پیکار نیز نسبت به نقاط قوت و ضعفهای او برخورد یکجانبه نمودند و آنها را در واقعیت امر در ارتباط دیالکتیکی با نقاط قوت رفیق شهرام و در ارتباط دیالکتیکی با سطح تکامل مجموعه جنبش کمونیستی ندیدند. و بهمین خاطر امروز بعد از شهادت رفیق شهرام با یک زیگراک و عوض کردن (۱) موضع خود نسبت به رفیق، بدون هیچ گونه توضیح لازم بالاخره موضع "رفیق" را در قبال او اتخاذ کردند. اکنون این رفقا باید پاسخگو باشند که چرا از ابتدا یک موضع اصولی اتخاذ نمودند.

عین همین سوال در مورد رفقای رزمندگان و وحدت انقلابی نیز مطرح است. آنها نیز باید پاسخگو باشند، بخصوص رفقای وحدت انقلابی که تا یکی دو هفته قبل از شهادت این رفیق هیچ گونه حمایتی از او ننمودند.

بنظر ما زمینه‌های قوی روشنفکری در این تشکیلات با توجه بگذشته بسیاری از نیروهای تشکیلات دهند، آن که اساسا در محیط لیبرال - پاسیفیستی خارج از کشور بحقیقت مارکسیست رسیده اند، حقیقتی

(۱) - برای دیدن زیگراکها و عوض کردن مواضع رفقای پیکار و همچنین رفقای رزمندگان رجوع کنید به اعلامیه‌های زمان دستگیری رفیق و اعلامیه‌های اخیر آنها.

مورد انتقاد قرار دادیم.

و امروز اعلام میداریم که ما تنها نیروی هستیم که بدون هیچ پرتسپاشکی مواضع آغازین خود را در قبال رفیق و در جانب‌داری از او استمرار بخشیدیم. ما هیچ گاه به این تزلزل و زیگراک زد-نهایی نخلطیدیم که یکرز اشتباهات رفیق را چنان عمده کنیم که مجلی برای تجلی پراتیک ارزنده انقلاب-ین اش باقی نگذاریم و روزی او را "وفادارترین راهی راه طبقه کارگر ایران" خطاب کنیم. برای ما واقعا این پرسش مطرح است که این نیروها بین نظرات اولیه شان نسبت به رفیق و انفعالی که تا این اواخر در مقابل اسارت وی و توطئه‌های ارتجاع داشته اند با تبلیغات وسیعی که در این روزها پیرامون اعدام رفیق آغاز کردند چه رابطه‌ای وجود دارد. آیا موضعگیریهای اخیر واقعا با هدف دفاع از یک انقلابی کمونیست و دفاع از جنبش کمونیستی و انقلابی بوده یا چیزهای دیگر؟ از دید ما جنبش کمونیستی ایران در امر حمایت و جانب‌داری از رفیق محمد تقی شهرام و در عین حال طرح انتقادات مشخص وارد بر وی نیز یسان غالب عملکردهای دیگرش دچار راست رویها، عقب‌ماندگیها، گروه‌گرایی بوده و بهمین دلیل قادر به ایفای نقش فعال در این زمینه نشد و نتوانست در دفاع از او و در افشای توطئه‌های خائنانه رژیم آنچنانکه شایسته بود گام بردارد. و مهمتر از آن جنبش کمونیستی ایران نشان داد که نمی تواند در برخورد بنقاط ضعف درون خود مواضع کمونیستی اتخاذ نماید، نمی تواند نقاط ضعف و قوت درون خود را در ارتباط دیالکتیکی با یکدیگر و در ارتباط با مجموعه سطح تکامل فرهنگی خود ببیند.

مسئله بر سر این نیست که چرا رفقای پیکار هیچوقت شهرام را رفیق خطاب نکردند و تنها پس از شهادت او را "رفیق" نامیدند، مسئله بر سر این نیست که چرا "رزمندگان" در ابتدا او را رفیق خطاب نمی نمود و تنها در هفته‌های اخیر او را رفیق خطاب کرد و مسئله بر سر این نیست چرا "وحدت انقلابی" تا قبل از هفته‌های اخیر هیچگونه

پیرچم مبارزه ایدئولوژیک را برافراشته ترسازیم

که بسیار آغشته به ناخالصی های غیر مارکسیستی است بدانان اجازه نمی دهد که به حقیقت دید -
گاه انقلابی بینش و مشی چریکی علیرغم غیر پرولتری

بودن این مشی و جانپهای و فداکارهای پروان
آن دست یابند . و این همان تفکری است که آنها
را از دفاع از این رفیق باز داشت



... البته دیگر خوب میدانند که من علیرغم همه تهدیدات و همه وعده و وعیدها هرگز
پا را از روی حق و حقیقت و منافع اصولی مردم فراتر نخواهم گذاشت و قدمی که کوچکترین
اثری در تضعیف موقعیت نیروهای انقلابی داشته باشد پرنخواهم داشت . حتی به بهای
اینکه از حق طبیعی خودم در دفاع در مقابل اتهامات و افتراءات واقعا ناجوانمردانه
آنها بگذارم ...
(از نامه رفیق شهید تقی شهرام از زندان
انفرادی جمهوری اسلامی)

جلاد ننگت باد

شهرام رزمنده آشتی ناپذیر سالهای سیاه
دیکتاتوری ، شخصیت انقلابی و پیکارجویی که سالها
در رأس یکی از پر خروشتترین سنگرهای قهر انقلابی
میرزید و کمونیست جانپازی که علیرغم همه اشتبا -
هات غیر قابل اغماضش نقش سنگین و مؤثر
در مبارزات دموکراتیک و ضد امپریالیستی ایران
داشت ، پس از ماهها تحمل فشار و شکنجه های
جسمی و روحی سرانجام بدست جنایتکاران پیشرم
جمهوری اسلامی بشهادت رسید . اعدام ایسن
رفیق بدون تردید لکه ننگ دیگری است بر دامن
آلوده ارتجاع حاکم و حکام جنایتکار شرع اسلامی .
شهادت وی گواه تابنده دیگری است بر ماهیت ضد
خلقی و ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی و سند آشکار
دیگری است از راهمه ، وحشت و هراس پیش از حد
نیروهای واپسگرای حاکم از سرکشی نیرومند و بالندگی
نمایان جنبش کمونیستی و انقلابی ایران . و پس از
اعدام جنایتکارانه رفیق شهرام هشدار است به
همه نیروهای انقلابی جامعمان که ماهیت تجاوز -
کارانه سرمداران حکومتی ، فاشیستهای درخیم
و جلاد نشسته پراهرمهای قدرت را پیش از پیش
باز شناخته و عمق کینه و خشم فوق ارتجاعی آنان
را نسبت به انقلابیون جانپاز و مبارزان پیکر ضد -

امپریالیست آشکار تر و عریانتر در یابند .
محاکمه رفیق شهرام اساسا محاکمه فردی
نبود ، همچنانکه اعدام او نیز بهیچوجه اعدام
شخصی نمی توانست باشد .
جلادان جمهوری اسلامی در بیدادگاه و سوه
خوش نه رفیق شهرام را که جنبش بحق ضد -
امپریالیستی و ضد سرمایه داری وابسته مارا به
محاکمه کشانیدند ، آنان شخص رفیق شهرام را اعظم
نکردند بلکه با اعدام وی اعلام داشتند که آماده
اند تا همه انقلابیون پیکر و آشتی ناپذیر را هرچه
و حشیانه تر بشهادت رسانند . اینکه رفیق شهرام
در جنبش انقلابی ایران چه جایگاهی داشت ، اینکه
که بود و چه کرد و در کارزار مبارزاتش چه خود
و ویژگیهای داشت و ... مسائلی هستند که
ما و دیگر نیروهای انقلابی بارها پیش از پیش اگر
نه در حد شایسته لااقل به اشارت بیان داشتیم .
آنچه باید در اینجا تاکید و رژیم همان سیاست
مشخص ، سنجیده و آگاهانمای است که با اعدام
رفیق شهرام توسط کارگزاران جدید سرمایه داری
وابسته و بطور مشخص دستار بر سران فاشیست
هیئت حاکمه بنمایش گذارده شده است .

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

تمامی کوششها و توطئه‌های رژیم برای از بین بردن و برهم زدن صفوف واحد ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی کمونیستها و دموکراتهای مذهبی میباشد. در عین حال تیرباران رفیق شهرام عکس العمل زیوانه رژیم نسبت به سبیل محکمی است که رفیق تقی شهرام برگونه زرد و کوبه رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی و سردمداران جنایتکار و مکار آن نواخته است.

تیرباران رفیق انقلابی محمد تقی شهرام ادامه مجموعه سیاستهای مآشات جویانه و خائنانانه جمهوری اسلامی با امپریالیستها از یکطرف و از طرف دیگر بعنوان نتیجه منطقی این خیانتها، ادامه مجموعه جنایات و کشت و کشتار و ضرب و جرح این رژیم بر علیه مجموعه مردم زحمتکش و نیروهای سیاسی پاسدار منافع آنهاست.

شما باید بخود بیایید که توانسته اید فرزندی شجاع و سرسخت با اجتماع تحویل دهید، فرزندی که علیرغم تمامی فشارهای روحی و جسمی توانست در مقام یکی از میراث داران، فداکارها و شجاعان و دیگر سنن انقلابی جنبش مسلحانه ضد امپریالیستی و ضد سرمایه داری وابسته در مقابل خیانتکاران و جنایتکاران جدید بقدرت خیزنده باشد.

امروز شما باید بخود بیایید که فرزندان توانسته با خون خود نهال واقعی انقلاب را آبیاری کند همان انقلابی که انقلابیون کمونیست و سایر دموکراتها پاسدار آن هستند.

خورشید حقیقت رفته رفته از افقهای دور دست سر برمی آورد، توده‌های زحمتکش خلق در اثر تجربیات هر روزه خود و افشاگرهای نیروهای انقلابی و کمونیست به تدریج بر ماهیت ضد خلقی این رژیم آگاهی می یابند و مهبای یک مبارزه سرسخت و قهرآمیز بر علیه آن میگردند. بر راستای این اوج گیری مبارزه توده‌هاست که مقاومت و ایستادگی و ادامه مبارزه فرزندان انقلابی شما تا پای جان معنای والایی می یابد.

مجموعه این مبارزات آنچنان ترس و رعبی در دل دشمن افکنده که امروزه خود سردمداران رژیم از سرریا مجبور به اعتراف شدند که آری "ما انقلابی عمل نکردیم" و "دستگاههای ما هنوز تا طاغوتی است" اما رژیم حاکم از این مظلوم

تیرباران رفیق شهرام بیان بی چون و چرای مناسبات طبقاتی این جمهوری با پیکارگران پیگیر و همیشه توفنده کمونیست و نیز دموکراتهای انقلابی مبهن است. این اعدام دقیقاً تکرار مکرر این واقعیت است که ضد خلق برای نابود ساختن رزمندگان خلق او هیچ جنایتی ولو در اشد پیشروی و وقاحت و اهمه ندارد، نشان آنست که ضد خلق برای استوار بقای خود هیچ راهی جز اعدام انقلابیون و در رأس آنها - انقلابیون کمونیست نمیشناسد.

و ما کمونیستها بر دینامیسم طبیعی عملکردهای خویش و بر راستای سنت انقلابی خود و در پاسخ به این جنایت رژیم جمهوری اسلامی هر چه قاطعانه تر اعلام میداریم که آماده ایم تا سرنگونی این حکومت ضد خلقی، تا آن زمان که رژیم جمهوری سومایه را نیز بیدنیال رژیم فاشیستی شاه خائن به زیاله دان تاریخ دفن نمائیم هزاران هزار چون رفیق شهرام، توماجها، کاک فوادها و ... را بر آستان انقلاب دموکراتیک و ضد امپریالیستی ایران نثار نمائیم.

پیام به :

خانواده محترم رفیق شهید تقی شهرام

رژیم جمهوری اسلامی بالاخره در ادامه مجموعه سیاستها و تاکتیکهای تهدید، ارباب فشار روحی و ... نسبت بر رفیق انقلابی محمد تقی شهرام که از یکطرف برای بهره برداری از اشتباهات بخش منسحب سازمان مجاهدین و رفیق شهرام و در نتیجه افشاندن تخم کینه و نفاق میان کمونیستها و دموکراتهای مذهبی بود و از طرف دیگر شکستن اراده رفیق شهرام و در نتیجه تضعیف اراده فولادین انقلابیون کمونیست و مکرر تهاجمی باشد، بدلیل مقاومت و سرسختی و سازش ناپذیری رفیق شهرام با شکست مفتضحانه‌ای روبرو گشت.

تیرباران رفیق شهرام از یکطرف کوشش برای تیرباران همه اراده‌های پولادینی است که امروز در راه آرمان والای خلق های زحمتکش ما بر علیه این رژیم خود کامه میجنگند و از طرف دیگر ادامه

نمائی ها طرفی بر نخواهد بست . رفیق محمد تقی شهرام با ایستادگی خود در مقابل رژیم نشان داد که نباید گول فریبکاریهای این شیادان را خورد .

ما در اینجا از فرصت استفاده کرده و یک بار دیگر تجدید عهد می نمائیم که تا سرنگونی این رژیم لحظهای آرام نگیریم و وظائف انقلابی خود را در جهت آگاهی سیاسی و سازماندهی توده - مردم زحمتکش برای سرنگونی این رژیم و کسب قدرت سیاسی ادامه دهیم . و در جواب ارتجاع حاکم در دادگاه فاشیستی رفیق شهرام (که در همین حال میدانیم که پاسخ رفیق شهرام نیز هست) در آنجا که با و گفته بودند "ما در مقابل رژیم محمد

رضا شاه کوتاه نیامدیم و در مقابل توهم کوتاهی نخواهیم آمد " خواهیم گفت که ما کمونیستها همچنان که برای سرنگونی رژیم فاشیستی شاه ، پیگیرتر مصمم تر و آشتی ناپذیرتر از همه جنگیدیم ، با کمال قاطعیت اعلام میداریم که برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی که جز حفظ سیستم سرمایه داری وابسته رسالتی ندارد با توانائی بیش از پیش و متکی به مشی پرولتری خواهیم جنگید ■



... عمل و زندگی سراسر مبارزه من که

مشمول بر ۱۳ سال فعالیت مستمر سیاسی و انقلابی میشود بخوبی میتواند پاسخگوی باشد که آیا بر پیمان و عهد خود برقرار بوده ام ؟ آیا بر میثاق و عهدی که با خلق خود بسته بودم ، میثاق و عهدی که مرا در راه مبارزه برای کسب آزادی و استقلال میهن و نابود کردن ریشه های ظلم و استثمار در جامعه تا پای جان متعهد می ساخت صمیمانه وفادار بوده ام یا نه ؟ احتیاجی به پاسخ وجود ندارد زیرا که انتظاری وجود ندارد ، زیرا که تا ریخ و توده ها مسلما بهترین قضاوت کنندگان هستند رفیق تقی شهرام

گرامی باد خاطرۀ شهدای بخون خفته خلق !

... سازش ناپذیر تا آخرین قطره خون

"اگر در میان انقلابیون چند ساله اخیر ایران تنها دو اسم در لیست منحوس و مرگبار ساواک برای حمله قرار دادن نوشته شده بود، همه میدانند و نیز بر هیچ مبارز آگاه و رزمنده ای در طی این سالها پوشیده نیست که یکی از این دو اسم نام من بود".

"این امر البته هیچگونه امتیاز ویژه ای برای کسی که خود را جز خاک پای ملت، جز خادم و خدمتگزار ناچیز خلق و انقلاب نمیداند... بوجود نمیآورد بلکه تنها نشان میدهد که دشمنان خدا را خلق ما یعنی رژیم شاه و امپریالیستهای آمریکائی و دستگاہهای سرکوب کننده و جاسوسانهای یکی از بزرگترین دشمنان رادار وجود من و همینطور دیگر ایرانیان هم رزم امرد ساواکهای مسلح انقلابی می دیده اند".

شهید تقی شہرام (در آخرین نامه های از زندان)

با قلبی سرشار از اندوه و کینه نسبت به دشمنان خلق و انقلاب، کمیته دفاع از تقی شہرام شہادت انقلابی-خستگی ناپذیر سالهای خفقان و چهره مقاوم و استوار روزهای حاکمیت ارتجاع پس از قیام، را به عموم انقلابیون و کارگران و زحمتکشان و ایرانیان اعلام می نماید.

رژیم جمهوری اسلامی، این انقلابی فراموش نشدنی و این دوستدار کارگران و زحمتکشان را بناحق و بر اساس آنها مانی که خود صلاحیت رسیدگی به آنها را ندارد، بزندان انداخت و خائفا نه شہرام را در سلولهای انفرادی بدون ملاقات و محروم از حقوق اولیه زندانی سیاسی نگهداشت و از هیچ کوششی برای بدنام کردن او، برای زشت جلوه دادن چهره او و خودداری نکرد و حتی برای اول لحظه ای حق پاسخ به اتهامات را قائل نشد.

"عدالت اسلامی" مورد ادعای رژیم به آسانی مشمول حال ساواکیها، تهرانیها، کمالیها و امثال شیخ الاسلام - زاده هاگشت، اما "نوبت" به کمونیستها و انقلابیون جان برکف که رسید "آسمان عدالت" قایان طپید و جز کینه و تاجوانمردی و بنا مردمی چیزی باقی نماند.

"دادگاه انقلاب" بی آنکه صلاحیت رسیدگی به فعالیتهای شهید شہرام را داشته باشد تشکیل شد. "دادگاه" حاضر نشد و کیل او را بپذیرد و به متهم حق صحبت را نداد و در عوض سناریوی شکایات را که زمانی ساواک هم آنرا به اجرا در آورده و از تلویزیون پخش کرده بود در صحنه "دادگاه" اوین "به مرحله اجرا در آورد.

شهید شہرام که نظرات خود را در مورد دادگاه و حقوق خویش بعنوان یک متهم و نیز سوابق انقلابی خود را طی نامه های به رشته تحریر در آورده و بهیچوجه حاضر به سرفروختن و ردن در برابر دشمنان خلق نبود در "دادگاه" حضور نیافت و غیبا محاکمه شد.

رژیم جمهوری اسلامی، "بهترین" تبلیغ را برای "عدالت اسلامی" نمود و همگان فهمیدند که در منطق طبقاتی ارتجاع هیچ اصلی - حتی اصول مورد ادعای طبقه حاکم - به پیشیزی نمی آرد! شہرام با مقاومت جانانه خود نه اولین و نه آخرین کسی است که در برابر ارتجاع حاکم سر خم نکرده است. رود سرخی که از خون زحمتکشان و انقلابیون از سالها پیش در میدان تیرچیتگر، در کوچه ها و خیابانهای شهر، در سلولهای ساواک، در میدان ۱۷ شهریور در کردستان و ترکمن صحرا، و خوزستان و تپه های اوین جاری است تا روز پیروزی خلق بردشمنان خود جریان خواهد داشت آری ای - تاوانی است که برای آزادی باید پرداخت.

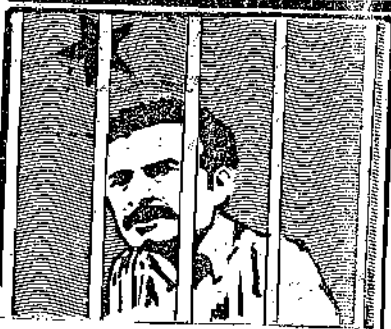
کمیته دفاع از تقی شہرام از کلیه هموطنان آگاه و نیز از شخصیتهای ملی و بین المللی که به اشکال مختلف حمایت خود را از شهید تقی شہرام اعلام کردند و در افشای ارتجاع و آشکار کردن حقیقت مشارکت نمودند، قدر دانسی میکند. کمیته دفاع با خانواده مقاوم شهید شہرام صمیمانه ابراز همدردی می نماید و تلاش آنها در راه نجات فرزندشان را تلاشی در راه احقاق حقوق همه زحمتکشان و انقلابیون ارزیابی میکند.

کمیته دفاع از کلیه نیروهای انقلابی و مردمی، از کلیه کسانی که قلبشان برای دموکراسی و حفظ حقوق اجتماعی خلقهای ایران می تپد و مرا نه میخواهد که فریاد اعتراض خود را علیه حکم جنایتکارانه "دادگاه انقلاب" بهر صورتی که در امکان دارند، به گوش دیگر هموطنان و مردم جهان برسانند.

۸۸

گرامی باد خاطرہ انقلابی شهید تقی شہرام

کمیته دفاع از تقی شہرام



با صدائی هرچه رساتر،
قوی‌تر رژیم ارتجاعی حاکم
راه در محاکمه غیر عادلانه
و شقیق ققی شهسرام، انقلابی
صبارزی که سالهای بسیاری
را در مبارزه با امپریالیسم و
ارتجاع گذرانده است، نژد
رحمتکشان افشاکنیم!

۲۸ آبان

صد ها و هزارهائی بجای آوردیم
از مادر مبارز شهید شهرا
در سحرگاه دم مردان

تقی شهرام



مادر، پدر، خواهران و برادر رفیق شهرام

حنایت زحمتکشان و خاشاکه رژیم جمهوری اسلامی در سحرگاهان دم مردان ۵۹ که منجر به شهادت
شهرمانانه و افتخار آفرین رفیق تقی شهرام شد، اندوهی بس سنگین را بر دل ما نشاند و آتش خشم و کینه
را در دلهای ما شعله ورتر ساخت. ما سیر همچون شما و همچون همه انقلابیون و کمونیست ها، صاحبان
اصلی اندوه از دست رفتن رفیق بزرگ دهه پنجاه، رفیق محمد تقی شهرام هستیم.

سحرگاه دم مردان ۵۹ زحمتکشان و انقلابیون را نشان گرفت. گلوله های که از لوله مسلسل های امریکایی بقلب گرم، بر طپش و
سرشار از امید تقی شلیک شد، گلوله های کینه، نفرت و دشمنی مرتجعین و ضد انقلابیون حاکم بود که بسر
بیکر جنس انقلابی زحمتکشان کارگران و تمام مردم مستعبدیده میهن ما، نشست. خونی که سحرگاهان دم
مردان بر تپه های اوین جاری شد، خونی نبود که تنها از بیکر مقام و باید ارتقی جاری شده باشد، این
خون از بیکر جنس انقلابی و کمونیستی میهن ما بر زمین ریخت. بر زمین ریخت تا درخت تنومند، سربراز و
بالنده انقلاب زحمتکشان و مستعبدگان را آبیاری کند.

خون تقی، تنها خون فرزندان و برادر شما نبود که تپه های اوین را گلگون ساخت، این خون فرزندان
خلق کثیر ایران، خون برادر همه انقلابیون و خون یکی از باوقارترین راهبان راه آزادی طبقه کارگر ایران
بود که بر خاک میهن ما جاری شد. و این تنها شما نیستید که در سوگ انقلابی و ماتم غرور آمیز و افتخار
آفرین از دست رفتن تقی نشستید. همه نیروهای آگاه، همه انقلابیون و کمونیست ها، و همه کسانی
که شلاق ستم و جنایت رژیم حاکم را بر ش خود لمس میکنند، در غم از دست دادن رفیق شریک اندوه
آنان بهمانگونه در سوگ انقلابی رفیق تقی نشستند که مادر تقی، مادر همه انقلابیون، نشسته است.
مادر دلیر و سرافراز تقی در همان سحرگاهان که قلب تقی از طپش بازمی ایستاد در سوگ تقی نشسته است.
حیاتیاتهای تهران فریاد میزد: تا کون تقی مبارزه میکند، اکنون نوبت من است. آنان اندوه از دست رفتن
دادن تقی را به نیرو متبدل خواهند کرد، شعله های کوچک خشم و کینه را که در دل هر یک ریخته میکنند
به آتشقشائی تبدیل خواهند کرد، بساط ستم و استعمار را درهم خواهند پیچید و بر خرابه های آن
جمهوری دیکراتیک خلق و سوسیالیسم این آرمان و آرزوی همه زحمتکشان و مستعبدگان را بنا خواهند
ساخت.

۱۳۵۷ اردیبهشت

با اعتماد رزق تقي توسط ارتجاع حاکم تنها نشانه نهایت بیعت و در بندگی ارتجاع و نشانه نهایت کینه سوری و دشمنی اش با جنبش انقلابی خلق نیست، بلکه بیانگر نهایت ترس و زجر و ارتجاع در مقابل تقي و آرمان انقلابی وی می‌نماید. بی جهت نیست که بلندگوهای ارتجاع و وسائل ارتباط ضمن جمهوری اسلامی برای آلودن جبهه سرخ و انقلابی تقي و برای واژگونه جلوه دادن آرمان وی سرمایه گذاری کرده‌اند آنها از ایران هیچ تهمت و افتزائی نسبت بوی خود داری نکردند، او را قاتل، سارق، آدمکش، ماسک زد و... نامیدند و آنچه را که در آینه میدیدند بر تقي نسبت دادند و بهر حيله و بهر تکی که توانستند اندام متوسل شده‌اند، تا جبهه پر مروج و انقلابی تقي و آرمانش را در پشت ابرهای دروغ و انبساط حقیقی نمایانند اما تلاشهای آنان در برخورد با صخره مقاومت تقي در هم شکست و آنان را رسوا و زبون کرد. بی‌ساخت، آنها حتی صحنه اعدام وی را طوری ترتیب دادند که مردم را نسبت به شخصیت انقلابی و آرمان والايش به اشتباه اندازند، وی را به همراه عوامل و ایادی کودتاکر و فریب خورده امپریالیسم در يك رستار محروم اعدام سپردند، تا مردم نفهمند که جلادان جمهوری اسلامی دست خود را بخون يك زندگي را به کارگران و زحمتکشان، و يك انقلابی سرسخت و پرمایه ای که سابقه ۱۲ سال مبارزه انقلابی علیه رژیم شاه و اربابان امپریالیستش را دارد، آخته‌اند.

آنان میکوشند هرگونه اثری را که ممکن است یاد آور آرمان انقلابی تقي باشند از بین ببرند. آنها حتی از بیگونی جان تقي نیز وحشت دارند، بی جهت نیست که جلادان تقي مقرر کرده‌اند که باید جسد متشکک اش را در قطعه مخصوص جلادان و مردوران رژیم شاه بخاک بسپارند، آنان حتی تحمل نکردند که جسد تقي آزادانه در خاک میهن آرام بگیرد. جسدش را از سلول اوین به سلول قبری در بهشت زهرا منتقل دادند تا با صلاخ لاشعه کیف جسدانی چون آرش، تهرانی، گمانگر، بیگز او را در گورستان بسازند و زرد انباشت کنند، آری جلادان جمهوری اسلامی بیگونی تقي را به اسلاف خود سپردند تا بیگونی تقي به خون تقي برای آنان در درسی فراهم نکند. آنان وحشت دارند علیه همه تبلیغات سرشار علیه تقي، آرامگاه او، زیارتگاه همه آزادبخواهان، انقلابیون و کارگران و زحمتکشان کردند. اما میدانند که تقي نه در خاک، که در قلب همه آزادبخواهان و زحمتکشان مدفون است، اما میدانند که با ایستادن بر تقي ها نمیتوانند شعله امید و آرمان تقي را خاموش کنند، که این شعله در قلب همه انقلابیستور و کویست ها شتمل است. راه تقي را صدها و هزاران رهرو راستین میپوشند و توده های میلیونی خلق با امید و آرمان او را بارور خواهند ساخت.

مادر مبارز و مقام تقي بدانند همانطور که در سحرگاهان دم مرگ در خیابانهای تهران، در مقابل محل سابق دادرس ارتش شاه، و جایگاه کونی دادستانی ضد انقلاب، مقرر قدوسی قاتیل، و در مقابل منزل رئیس ارتجاع حاکم بهشتی، میخروشید و خطاب به همه فرزندان انقلابی این مرد و هم فرستاد بر می آورد که "من اگر يك تقي از دست داده ام، صدها و هزارها تقي بجای او دارم". آری بدانند که صدها و هزارها تقي در قفس خونین او را بدوش خواهند کشید و راه پرافتخار او را خواهند پیچود.

ما نیز میتوانیم عزیزی از جنبش انقلابی و کمونیستی میهن مان، امید داریم و هم داریم که براد را نیز خواهند خوب و با وفايي برای تقي باشیم، مقام و حسنگی نایندیر، راهش را ادامه داده، به آرمانش راه آری بود و در راه تحقق آن بکوشیم.

دژود و افتخار بر شهید بخون خفته رزق تقي شهرام و همه شهدای کلکون کهن خلق ایران
سلام و افتخار بر خانواده و مادر رزق شهرام و بر همه خانواده ها و مادرانی که
چنین فرزندان انقلابی در دامان خود پرورش داده‌اند!

سازمان زندگان آزادی طبقه کارگر

۰۹/۰۵/۳

۱۱/۳

بدست دژ خیبرستان پایید جمهوری اسلامی تیرباران کردید

جلاد فنگت باد !

"شهبازم" روزمنده آشتی ناپدید سالهای سیاه دیکتاتوری، شخصیت انقلابی و پیکارجویی که سالها در رأس یکی از پر خروشترین سنگرهای قهر انقلابی میوزید و کمونیست جانبازی که علیرغم همه اشتباهات غیرقابل اغماضش نقیض سنگین و مؤثر در مبارزات دمکراتیک و ضد امپریالیستی ایران داشت، پس از ماهها تحمل فشار و شکنجه های جسمی و روحی سرانجام بدست جنایتکاران بیشرم جمهوری اسلامی دستبازت رسیدند. اعدام این رفیق بدون تردید لکه ننگ دیگری است بر دامن آلوده ارتجاع حاکم و حکام جنایتکار شرع اسلامی. شهادت وی گواه تائیده دیگری است بر ماهیت ضد خلقی و ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی و شدت آشکارا دیگری است از واکنش و وحشت و هراس پیش از حد نیروهای وابستگرای حاکم از سرکشی نیرومند و بالندگی نمایان جنبش کمونیستی و انقلابی ایران. و باز اعدام جنایتکارانه رفیق شهبازم هشدار است به همه نیروهای انقلابی جامعه مان که ماهیت تجاوزکارانه سردمداران حکومتی، فاشیستهای دزخیم و جلاد سستته براهرومهای قدرت را بیش از پیش باز شناخته و عمق کینه و خشم فوق ارتجاعی آنان را نسبت به انقلابیون جانناز و مبارزان پیگیر ضد امپریالیست آشکارتر و عریانتر دریابند.

محاکمه رفیق شهبازم اساسا محاکمه فردی نبود، همچنانکه اعدام او نیز بهیچوجه اعدام شخص وی نمی توانست باشد.

جلادان جمهوری اسلامی در بیدادگاه ویژه خوشترنه رفیق شهبازم را که جنبش بحق ضد امپریالیستی و ضد سرمایه داری وابسته ما را به محاکمه کشانیدند آنان شخص رفیق شهبازم را اعدام نکردند بلکه با اعدام وی اعلام داشتند که آماده اند تا همه انقلابیون پیگیر و آشتی ناپذیر را هر چه وحشیانه تر بشهادت رسانند. اینکه رفیق شهبازم در جنبش انقلابی ایران چه جایگاهی داشت، اینکه که بود و چه کرد و در کارزار مبارزاتش چه خود ویژگیهایی داشت و ۰۰۰۰ مسائلی هستند که ما و دیگر نیروهای انقلابی بارها بیش از پیش اگر نه در حد شایسته لاقبل به اشارت بیان داشته ایم. آنچه که باید در اینجا تاکید رژیم همگانی سیاست مشخص، سنجیده و آگاهانه ای است که با اعدام رفیق شهبازم توسط کارگزاران جدید سرمایه داری وابسته و بطور مشخص دستار بر سران فاشیست هیئت حاکمه بنمایش گذارده شده است.

تیرباران رفیق شهبازم بیان بی چون و چرای مناسبات طبقاتی این جمهوری با پیکارگران پیگیر و همیشه نوفنده، کمونیست و نیز دمکراتهای انقلابی میهن است، این اعدام دقیقا تکرار مکرر این واقعیت است که سست ضد خلق برای نابود ساختن روزندگان خلق از هیچ جنایتی ولو در اشد بیشرمی و وقاحت و اهمه ندارد، نشان آنست که ضد خلق برای استمرار بقای خود هیچ راهی جز اعدام انقلابیون و در رأس آنها انقلابیون کمونیست نمیشناسد. و ما کمونیستها بر دینامیسم طبیعی عملکردهای خویش و بر راستای سنت انقلابی خود و در پاسخ به این خیانت رژیم جمهوری اسلامی هر چه قاطعانه تر اعلام میداریم که آماده ایم تا سرنگونی این حکومت ضد خلقی، تا آن زمان که رژیم جمهوری سرمایه را نیز بدنیال رژیم فاشیستی شاه خائن به رانندگان تاریخ دفن نمائیم هزاران هزار چون رفیق شهبازم، ۰۰۰۰۰۰۰۰ را بر آستان انقلاب دمکراتیک و ضد امپریالیستی ایران نشان نمائیم.

۱۲۹

گروه نیروی برای رهائی طبقه کارگر

خانواده محترم رفیق شهید محمد تقی شهرام

رژیم جمهوری اسلامی بالاخره در ادامه مجموعه سیاستها و تاکیکهای تهدید، ارباب فشار روحی و... نسبت به رفیق انقلابی محمد تقی شهرام که از یکطرف برای بهره برداری از اشتباهات بخش مشعب سازمان مجاهدین و از طرف دیگر افشاندن تخم کینه و نفاق میان کمونیستها و دمکراتهای مذهبی بود و از طرف دیگر شکستن اراده رفیق شهرام و در نتیجه تضعیف اراده فولادین انقلابیون کمونیست و دمکراتها میباشد. بدلیل مقاومت و سرسختی و سازش ناپذیری رفیق شهرام با شکست مفتضحانه ای روبرو گشت.

تیرباران رفیق شهرام از یکطرف کوشش برای تیرباران همه اراده های فولادینی است که امروز در راه آرمان والای خلق های زحمتکش ما بر علیه این رژیم خود کامه میجنگد و از طرف دیگر ادامه تمامی کوششها و توطئه های رژیم برای از زمین بردن و برهم زدن صفوف واحد ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی کمونیستها و دمکراتهای مذهبی میباشد. در عین حال تیرباران رفیق شهرام عکس العمل زبوانه رژیم نسبت به سلسله محکمی است که رفیق تقی شهرام بر گونه زرد و کزیه رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی و سردمداران خنایتکار و مکاران نواخته است.

تیرباران رفیق انقلابی محمد تقی شهرام ادامه مجموعه سیاستهای مفاشات جوانه، خائنانه، جمهوری اسلامی با امپریالیستها از یکطرف و از طرف دیگر بعنوان نتیجه منطقی این خیانتها، ادامه مجموعه خائنانات و کشت و کشتار و ضرب و جرح این رژیم بر علیه مجموعه مردم زحمتکش و نیروهای سیاسی پائستادان منافع آنهاست.

شما باید به خود بالید که توانسته اید فرزندی شجاع و سرسخت با اجتماع تحویل دهید. فرزندی که علیرغم تمامی فشارهای روحی و جسمی توانست در مقام یکی از میراث داران، فداکارها و شجاعان ما و دیگر سنن انقلابی جنبش مسلحانه ضد امپریالیستی و ضد سرمایه داری وابسته در مقابل خنایتکاران و خنایکاران خداید بقدرت خزیده باشد.

امروز شما باید بخود به بالید که فرزندان توانسته با خون خود نهال واقع انقلاب را آبیاری کنند همان انقلابی که انقلابیون کمونیست و سایر دمکراتها پاسداران هستند.

خورشید حقیقت رفته رفته از افقهای دور دست سر برمی آورد. توده های زحمتکش خلق در اثر تجر بیات هر روزه خود و افشاگرهای نیروهای انقلابی و کمونیست به تدریج بر ماهیت ضد خلقی این رژیم آگاهی می یابد و مهبیای یک مبارزه سرسخت و قهرآمیز بر علیه آن میگردد. بر راستای این آنج گیری مبارزه توده هاست که مقاومت و ایستادگی و ادامه مبارزه فرزندان انقلابی شما تا پای جان معنای والای من بایستد. مجموعه این مبارزات آنچنان ترس ورعین در دل دشمن افکنده که امروزه خود سردمداران رژیم از سر ربا مجبور به اعتراف شدند که آری " ما انقلابی عمل نکردیم " و " دستگه های ما هنوز طاغوتی است " اما رژیم حاکم از این مظلوم نمایی ها طرفی بر نخواهد بست. رفیق محمد تقی شهرام با ایستادگی خود در مقابل رژیم نشان داد که نباید گول فریبکارهای این شیادان را خورد.

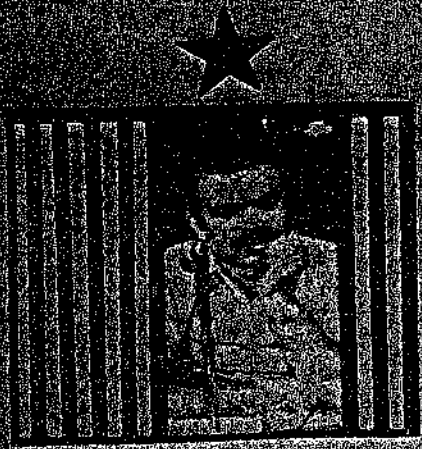
ما در اینجا از فرصت استفاده نموده و یک بار دیگر تجدید عهد می نمائیم که تا سرنگونی این رژیم لحظهای آرام نگیریم و وظائف انقلابی خود را در جهت آگاهی سیاسی و سازماندهی توده مردم زحمتکش برای سرنگونی این رژیم و کسب قدرت سیاسی ادامه دهیم، و در جواب ارتجاع حاکم در دادگاه فاشیستی رفیق شهرام (که در عین حال میدانیم که پاسخ رفیق شهرام نیز هست) در آنجائیکه باو گفته بودند که " ما در مقابل رژیم محمد رضا شاه کوتاه نیامدیم و در مقابل تو هم کوتاه نخواهیم آمد " خواهیم گفت که ما کمونیستها همچنان که برای سرنگونی رژیم فاشیستی شاه پیگیرتر، مصمم تر و آشتی ناپذیرتر از همه جنگیدیم، با کمال قاطعیت اعلام میداریم که برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی که جز حفظ سیستم سرمایه داری وابسته ندارد با توانی بیش از پیش و شکی به مشی پرولتری خواهیم جنگید.

گروه نیروی برای رهائی طبقه کارگر

نهادهای انقلابی حسنگی ناپذیر

تقی شهرام

دفاعتگی در بیستانی رژیم جمهوری اسلامی



تقی شهرام در محرکات هشتاد و نه مردان خردسالان شهید و ستم‌خیزترین که ملاقات از روح سالکان در این شهر است. در این شهر که در راه‌های از حاکمان ارتقاء امپریالیسم و رنج‌های آن‌ها که کوله‌هایی در وقتان خط‌نوی انقلابی در این شهر است. شهیدانی که خود را وارث حقین شهیدان پیشمار خلق میدانند و برای محاهدتین شریفه سال‌های اخیر در این شهر و جند در بیستانی مردم بر سر او بر آید که سواد از زیر پا برنگد و جنایت خویش بگریزد.

تقی شهرام از بیستانی شهیدان است که در راه‌های انقلابی و در حاکمان ستم‌خیز و جنایتکاران در این شهر است. شهیدانی که در راه‌های از حاکمان ارتقاء امپریالیسم و رنج‌های آن‌ها که کوله‌هایی در وقتان خط‌نوی انقلابی در این شهر است. شهیدانی که خود را وارث حقین شهیدان پیشمار خلق میدانند و برای محاهدتین شریفه سال‌های اخیر در این شهر و جند در بیستانی مردم بر سر او بر آید که سواد از زیر پا برنگد و جنایت خویش بگریزد.

تقی شهرام از بیستانی شهیدان است که در راه‌های انقلابی و در حاکمان ستم‌خیز و جنایتکاران در این شهر است. شهیدانی که در راه‌های از حاکمان ارتقاء امپریالیسم و رنج‌های آن‌ها که کوله‌هایی در وقتان خط‌نوی انقلابی در این شهر است. شهیدانی که خود را وارث حقین شهیدان پیشمار خلق میدانند و برای محاهدتین شریفه سال‌های اخیر در این شهر و جند در بیستانی مردم بر سر او بر آید که سواد از زیر پا برنگد و جنایت خویش بگریزد.

تقی شهرام از بیستانی شهیدان است که در راه‌های انقلابی و در حاکمان ستم‌خیز و جنایتکاران در این شهر است. شهیدانی که در راه‌های از حاکمان ارتقاء امپریالیسم و رنج‌های آن‌ها که کوله‌هایی در وقتان خط‌نوی انقلابی در این شهر است. شهیدانی که خود را وارث حقین شهیدان پیشمار خلق میدانند و برای محاهدتین شریفه سال‌های اخیر در این شهر و جند در بیستانی مردم بر سر او بر آید که سواد از زیر پا برنگد و جنایت خویش بگریزد.

حساب و در این سال‌ها تمام انقلاب‌های ستم‌خیز
 ستم‌خیز و در این سال‌ها تمام انقلاب‌های ستم‌خیز

و جند انقلابی
 روی آردن پشت کتف

آوردن